

پناهیان: سهولت تأمین نیازهای اولیه زندگی نسبت به قدیم، موجب شیوع فرهنگ راحت طلبی شده / راحت طلبی موجب دین‌گریزی می‌شود / بخشی از بدی‌های اخلاقی ما به خاطر این است که در راحتی بزرگ شده‌ایم / باید یک قیام سراسری و عمومی علیه راحت طلبی صورت بگیرد

پناهیان: امروز چون نیازهای اولیه یک مقدار راحت‌تر از گذشته تأمین می‌شود، ما احتمالاً بیش از پیشینیان به آفت راحت طلبی دچار هستیم و این مانع بزرگی برای دینداری است. در قدیم چون مردم سخت زندگی می‌کردند، سختی‌های دینداری هم کم و بیش برایشان راحت‌تر قابل پذیرش بود. آن چیزی که آنها را خراب می‌کرد، بیشتر ناشی از عقل و فهم و شعورشان بود. ولی امروز فهم و درک مردم خیلی بیشتر شده و به خاطر تجربیات تاریخی و واقعیاتی که در جهان می‌بینیم، فهم و شعورمان می‌رسد که دین خیلی قیمت و ارزش دارد، اما راحت طلبی موجب می‌شود انسان بدون اینکه ایمانش ضعیف باشد یا عقل و فهم و اندیشه‌اش دچار اختلال شده باشد، دین‌گریز شود. و بعد این راحت طلبی کم‌کم ایمان و اندیشه را هم تضعیف می‌کند.

با پایان یافتن بخش اول و دوم مباحث بسیار مهم «تنها مسیر»، که به تبیین جهاد اکبر یعنی مبارزه با هوای نفس آشکار و پنهان می‌پرداخت، بخش سوم مباحث «تنها مسیر» با موضوع یکی از مصادیق مهم هوای نفس، یعنی «راحت طلبی» آغاز شد که کلیات آن در مراسم سوگواری ایام فاطمیه در حسینیه امام خمینی ارائه شده بود. قسمت سوم مباحث «تنها مسیر» تحت عنوان «راحت طلبی اولین گرایش انسان» جمعه شب‌ها در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین به همت هیئت محبین امیرالمؤمنین(ع) برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **چهارمین جلسه از قسمت سوم مباحث «تنها مسیر»** را می‌خوانید:

بعد از حل مسأله راحت طلبی است که نوبت دینداری و اجرای اوامر سخت الهی مثل صبر و جهاد می‌رسد

- اگر مسأله «راحت طلبی» را برای خودمان حل کنیم، بعد نوبت دینداری و اجرای سخت‌ترین اوامر الهی خواهد رسید. اگر کسی یا جامعه‌ای مسأله راحت طلبی را برای خودش حل نکرده باشد، سخن گفتن درباره جهاد فی سبیل الله، صبر، راضی بودن به رضای الهی و بسیاری از منهیات اصلاً معنا ندارد. همه این اوامر تازه بعد از این است که انسان مشکل راحت طلبی را برای خودش حل کرده باشد.

سهولت تأمین نیازهای اولیه زندگی نسبت به قدیم، موجب شیوع فرهنگ راحت طلبی شده / راحت طلبی موجب دین‌گریزی می‌شود

- در قدیم شاید به خاطر اینکه امکانات رفاهی کمتر بود، شیوع فرهنگ راحت طلبی، این گستردگی امروز را نداشت و مردم زیاد سر دینداری، گیر نمی‌کردند. البته منظور این نیست که در قدیم، مردم دیندارتر بودند، ولی به دلیل اینکه با سختی زندگی می‌کردند، مشکل راحت طلبی کمتر مانع دینداری بود. آن موقع، کسی که می‌خواست آب بنوشد یا نان بخورد، زحمت بیشتری باید می‌کشید. مثلاً برای آب خوردن باید سر چشمه می‌رفت یا از چاه، آب می‌کشید. برای نان هم لااقل برخی مراحل پخت نان را خودش باید انجام می‌داد. ولی الان دیگر این‌طور نیست. به حدی که بعضی‌ها با یک تلفن، نان را جلوی در منزل‌شان تحویل می‌گیرند و زحمت ناوایی رفتن هم به خود نمی‌دهند!
- البته سختی‌هایی که امروز انسان‌ها متحمل می‌شوند نسبت به قدیم در مجموع کم نشده ولی فرار از سختی‌ها و فرهنگ راحت طلبی بیشتر شده و شیوع پیدا کرده است. اینکه امروزه ابتدائیات زندگی، به سهولت در اختیار مردم قرار گرفته، موجب شیوع فرهنگ راحت طلبی شده است و این راحت طلبی، موجب دین‌گریزی می‌شود.

- در قدیم مردم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود سختی بیشتری می کشیدند و این سختی‌ها چون برای نیازهای اولیه (مثل آب و نان) بود و هر خانواده‌ای باید خودش آنها را تدارک می کرد، کسی نمی توانست به خاطرش سر دیگران فریاد بکشد. مثلاً اگر آب می خواست خودش باید سر چشمه می رفت و آب می آورد. اما الان هرچند برای تأمین نیازهای ابتدایی، سختی وجود ندارد، ولی سختی های دیگری وجود دارد که می توانی به خاطر آن سختی ها، بر سر دیگران فریاد بکشی؛ مانند مشکل گرانی یا ترافیک که در آنها دولت یا پلیس و... را مقصر می دانی و فریاد می زنی و اعتراض می کنی.

امروز دوری از راحت طلبی مثل ورزش و دوری از کم تحرکی، یک ضرورت است/ باید یک قیام سراسری و عمومی علیه راحت طلبی صورت بگیرد

- امروزه به دلیل اینکه برای تأمین نیازهای اولیه، مثل قدیم سختی نمی کشیم، یک مسأله عمده‌ای به نام راحت طلبی مطرح شده است. لذا خصوصاً برای جوان‌ها، خیلی باید راجع به راحت طلبی بحث کرد. چون شیوع راحت طلبی به طور طبیعی بیشتر شده است. و یکی از نتایج این راحت طلبی هم، مشکلات جسمی مثل کمردرد و اضافه وزن ناشی از ورزش نکردن و کم تحرکی است.
- در قدیم، جسم مردم به خاطر تحرک بدنی، سالم تر بود و به خاطر نوع زندگی پرتحرک آن موقع (مثل پرداختن به کشاورزی و ...)، نیازی نبود کسی از لزوم ورزش صحبت کند، ولی امروز ورزش به یک ضرورت تبدیل شده و باید از لزوم ورزش صحبت کرد. بحث درباره راحت طلبی هم همین طور است. امروز باید یک قیام سراسری و عمومی علیه راحت طلبی صورت بگیرد، در حالی که در گذشته، این قدر لازم نبود علیه اصل راحت طلبی صحبت کنیم. لذا می بینید که در آیات و روایات با وجود اینکه به صورت صریح از آفت راحت طلبی صحبت شده، اما نسبت به برخی مفاهیم دیگر زیاد تکرار نشده و بیشتر ذیل عنوان کلی حب الدنيا مورد نهی قرار گرفته. زیرا هرچند در گذشته راحت طلبی وجود داشته، ولی ما امروز در ارتباط با راحت طلبی دچار آفت های ویژه ای هستیم. نمونه های فراوانی در نظام آموزش و پرورش، تربیت های خانوادگی، جامعه، و سبک زندگی ما به وجود آمده که به نوعی موجب تقویت راحت طلبی بچه ها و جوان های ما می شود. یکی از نمونه هایش برای بچه ها، همین مسیری است که قبلاً بچه ها تا مدرسه پیاده می رفتند و امروز به دلیل دوری بیش از حد منازل از مدارس یا مراقبت نسبت به برخی ناامنی ها، سرویس ایاب و ذهاب می گذارند و همین مقدار پیاده روی هم انجام نمی شود.

راحت طلبی موجب می شود انسان بی شخصیت و دین گریز شود/ بخشی از بدی های اخلاقی ما به خاطر این است که در راحتی بزرگ شده ایم

- امروز چون نیازهای اولیه یک مقدار راحت تر از گذشته تأمین می شود، ما احتمالاً بیش از پیشینیان به آفت راحت طلبی دچار هستیم و این مانع بزرگی برای دینداری است، به حدی که برخی از سخنان دینی را اصلاً نمی شود مطرح کرد! در حالی که قدیم، این سخنان را راحت تر می شد بیان کرد. **در قدیم چون مردم سخت زندگی می کردند، سختی های دینداری هم کم و بیش برایشان راحت تر قابل پذیرش بود. آن چیزی که آنها را خراب می کرد، بیشتر ناشی از عقل و فهم و شعورشان بود. ولی امروز فهم و درک مردم خیلی بیشتر شده و به خاطر تجربیات تاریخی و واقعیاتی که در جهان می بینیم، فهم و شعورمان می رسد که دین خیلی قیمت و ارزش دارد، اما راحت طلبی موجب می شود انسان بدون اینکه ایمانش ضعیف باشد یا عقل و فهم و اندیشه اش دچار اختلال شده باشد، دین گریز شود. و بعد این راحت طلبی کم کم ایمان و اندیشه را هم تضعیف می کند.**

- اگر آفت راحت‌طلبی، انسان را فرا بگیرد، هم بی‌شخصیت می‌شود و هم بی‌دین. امروز بخشی از بدی‌های اخلاقی ما به خاطر این است که در راحتی بزرگ شده‌ایم و برای تأمین نیازهای اولیه و حیاتی مانند و نان چندان سختی و رنج نکشیده‌ایم.

امروز راحت‌طلبی مثل یک بیماری به سراغ ما آمده است / یک اقدام خوب برای رهایی از راحت‌طلبی «سرخیزی» است

- امروزه در شرایط خاصی قرار داریم که راحت‌طلبی به صورت یک بیماری به سراغ ما آمده است، مثل بیماری‌های جسمی‌ای که در اثر زندگی ماشینی و کم‌حرکی پدید آمده است. در این زندگی شهری به سادگی نمی‌توان از آفت راحت‌طلبی رهایی پیدا کرد.
- یکی از کارهایی که برای رهایی از راحت‌طلبی می‌توان انجام داد، «سرخیزی» است. ما که امروزه سختی‌هایی مثل آب آوردن از چشمه، بیل زدن در زمین کشاورزی و... را نداریم لاقلاً همین سختی سرخیزی را به خودمان تحمیل کنیم تا یک مقدار با راحت‌طلبی خودمان مقابله کرده باشیم.

اگر مؤمن شدی، حتماً باید یکسری سختی‌ها را تحمل کنی، و الا منافق هستی / خداوند: شما انتظار دارید بدون سختی کشیدن به بهشت بروید؟!

- خداوند در قرآن کریم، صریحاً مؤمنین را به سختی کشیدن و دوری از راحت‌طلبی توصیه می‌کند. طبق آیات قرآن نمی‌شود شما مؤمن شوید بدون اینکه گرسنگی و تشنگی بکشید، یا ضربه‌ای بخورید، یا دچار سختی و مشکلی بشوید. یعنی اگر مؤمن شدی، حتماً باید یکسری سختی‌ها و مشکلات را تحمل کنی، در غیر این صورت نفاق در تو رسوخ کرده و خواهد کرد. به نظر شما می‌شود آیا امروزه می‌توان این حقیقت را به سادگی برای مردم بیان کرد؟! آیا ظرفیت پذیرش این مطلب وجود دارد؟! بسیاری اوقات، نه تنها لزوم جهاد را نمی‌توان گفت، بلکه سختی‌های کمتر از جهاد را هم نمی‌شود گفت!
- خداوند می‌فرماید: «آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است؟ به آنها چنان بلاها و سختی‌هایی رسید که ... : أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبُأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ...» (بقره/۲۱۴) «بأساء» یعنی مشکلاتی که از بیرون به آدم می‌رسد، مثل فقر و دشمنی و ناامنی و ... «ضراء» هم بیشتر به مشکلات و رنج‌هایی گفته می‌شود که به بدن انسان می‌رسد، مثل جراحات‌های بدن. آیا شما احتمال می‌دهید بدون اینکه چنین سختی‌ها و رنج‌هایی را تحمل کنید، به بهشت بروید؟
- خداوند در ادامه آیه فوق می‌فرماید: «آنها چنان دچار سختی‌ها شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند پس نصرت و یاری خدا چه شد؟! وَ زَلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرَ اللَّهِ؟!» (همان منبع) یعنی آن قدر به آنها سختی می‌دادیم که نزدیک بود ایمان خود را از دست بدهند. بعد شما انتظار دارید همین‌طوری بدون سختی کشیدن به بهشت بروید؟! یعنی خدا آن قدر سختی می‌دهد، و وقتی که داشتی می‌بریدی (ایمانت را از دست می‌دادی)، می‌گوید: نصرت خدا نزدیک است (أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ)، نه اینکه از همان اول بدون سختی کشیدن بگوید: «نگران نباشید یاری خدا نزدیک است»!
- ای جوان‌هایی که دوران دفاع مقدس را درک نکرده‌اید! شما فکر می‌کنید بدون چشیدن شبیه آن سختی‌هایی که رزمندگان ما در جبهه‌ها کشیدند، به بهشت خواهید رفت؟!!

اگر کار خوبی انجام دادی که از همه جهت برایت آسان بود، بدان که به‌دردت نمی‌خورد؛ روی آن حساب نکن

- خداوند می‌فرماید: «این است و جز این نیست که برای انسان جز آنچه سعی کرده، نمی‌ماند؛ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) یعنی آن کاری برای انسان می‌ماند که به خاطرش سختی کشیده باشد و اصطلاحاً برایش «دویده باشد».

• اصل لغت «سعی» به معنای راه رفتن سریع است و در اصطلاح به «تلاش توأم با سختی» گفته می‌شود. جالب اینجاست که خداوند نفرموده: «فقط عمل انسان برایش باقی می‌ماند» بلکه می‌فرماید: «تلاش» انسان برایش باقی می‌ماند. لذا هر کار خوبی که انجام دادی و برایت آسان بود، بدان که به‌درد نمی‌خورد و دست تو را نمی‌گیرد، البته اگر لازم است باید انجامش دهی، ولی روی آن حساب نکن.

• اگر دقت کنید می‌بینید که گاهی اوقات وقتی می‌خواهید کار خوبی انجام دهید، مثلاً در کارهای دینی و فرهنگی، خداوند یک سختی و مشکلی سر راهتان می‌اندازد تا کار و تلاش‌تان قیمت پیدا کند. در این مواقع، آن‌هایی که بی‌ظرفیت هستند، اعتراض می‌کنند. مثلاً می‌خواهد برود به کسی کمک کند، ولی سر راهش اذیتش می‌کنند، و او برمی‌گردد و می‌گوید: «حالا ما خواستیم به یک کسی کمک کنیم، بین چه مشکلاتی سر راهمان پیش می‌آید! اصلاً کمک نمی‌کنم!» نمی‌فهمد که خداوند می‌خواهد یک سختی و مشکلی سر راهت بیندازد، تا این کار ارزش پیدا کند و قبول شود؛ بدون سختی که قبول نمی‌شود!

مؤمنین نباید انتظار داشته باشند که خداوند آسیبی به آنها نرساند/ بر اساس آیه قرآن، ما هم باید منتظر روزهای سخت باشیم

• خداوند وقتی می‌خواهد مؤمنین را در قبال سختی‌هایی که کشیده‌اند، دلداری بدهد این‌طور می‌فرماید: «اگر به شما (در جنگ احد) ضربه و آسیبی رسیده، خُب به دشمنان شما هم قبلاً (در جنگ بدر) ضربه و آسیب رسیده؛ **إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ**» (آل عمران/ ۱۴۰) یعنی نباید انتظار داشته باشیم ما که ایمان آورده‌ایم، هیچ ضربه و آسیبی به ما نرسد و خدا مانع شود. ولی راحت‌طلب‌ها این حقایق را نمی‌فهمند و در جایی که فرهنگ راحت‌طلبی رواج دارد چنین آیاتی را اصلاً نمی‌شود خواند. خداوند در ادامه آیه فوق می‌فرماید: «ما این روزهای سخت را بین مردم می‌چرخانیم؛ **وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ**» پس بر اساس این آیه، ما هم باید منتظر روزهای سخت باشیم.

• در دو آیه بعد از آن می‌فرماید: «شما فکر می‌کنید وارد بهشت می‌شوید در حالی که خداوند کسانی را که مجاهد(سخت‌کوش) هستند و آن‌هایی که صابر(مقاوم در برابر بلاها و سختی‌ها) هستند را معلوم نکرده؛ **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ**» (آل عمران/ ۱۴۲)

«صبر» وصف مشترک تمام بهشتیان از نگاه ملائکه/ اگر در راه خدا جهاد نکنیم، ذلیل خواهیم شد

• جالب این است که اهل بهشت وقتی می‌خواهند وارد بهشت شوند، بعد از اینکه ملائکه به آنها سلام می‌دهند، آنها را با یک وصف، خطاب می‌کنند و آن هم «صبر» است: «**سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ**» (رعد/ ۲۴) یعنی از بین همه کارهای خوب (نماز و روزه و انفاق و...)، صبر آنها را بیان می‌کنند.

• اگر نماز خواندید و به خاطر این نماز خواندن، یک ضرری به شما رسید مثلاً درباره‌ی شما بدگویی کردند و بعد شما صبر کردید و باز هم نماز خود را خواندید، این صبر است که ارزش دارد و چه بسا مهمتر از آن نماز است. اگر انفاق کردید و بعد از انفاق قدر شما را ندانستند و حتی به شما ناسزا گفتند و شما صبر کردید، این صبر ارزش دارد. اگر به مردم لبخند زدید ولی به شما ناسزا گفتند و شما صبر کردید، این صبر ارزش دارد و بسیار مهمتر از آن لبخند اولیه است.

• خداوند می‌فرماید: «چقدر پیغمبر بوده‌اند که همراه ایشان، خداپرستان زیادی جنگیده‌اند پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید دچار سُستی نشدند(شما هم نباید سُست شوید) و ضعیف(زیون) نشدند و در برابر دشمن سر تسلیم فرود نیاوردند (و

مقاومت کردند) و خداوند صابران را دوست می‌دارد؛ وَ كَأَيِّنُ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران/ ۱۴۶)

- اگر در راه خدا جهاد نکنیم، ذلیل و بیچاره خواهیم شد. (پیامبر اکرم(ص)؛ فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ آلَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذُلًّا وَ قَفْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحْقًا فِي دِينِهِ؛ کافی/ ۲/۵) بعضی از کشورها بودند که وقتی انقلاب ما برپا شد، آنها باید زودتر از همه جهاد می‌کردند ولی قیام نکردند و عافیت‌طلبی کردند تا سختی نکشند، ولی ما سختی را به جان خریدیم و یکی دو سال به شدت سختی کشیدیم و بعدش هم هشت سال برای جنگ سختی کشیدیم، ولی آنها که نخواستند این سختی‌ها را تحمل کنند، الان بدترین و ناامن‌ترین سرزمین را دارند و در نهایت بدبختی هستند، چون آن موقعی که باید برای جهاد، بلند می‌شدند و قیام می‌کردند این کار را نکردند و این سختی را تحمل نکردند.

اگر آیات قرآنی که علیه راحت‌طلبی است را بخوانید، چهره دین در نظرتان عوض می‌شود/ تقرب الی الله بدون سختی امکان ندارد

- اگر آیاتی از قرآن را که خداوند در آنها صریحاً علیه راحت‌طلبی سخن گفته، بخوانید و عمیقاً به آنها فکر کنید، چهره دین در نظرتان عوض می‌شود و می‌فهمید که تقرب الی الله بدون سختی امکان ندارد. البته سختی‌هایی که دین به ما می‌دهد، سختی‌های حساب‌شده و مفید و توأم با عزت و افتخار است و می‌توانیم از این سختی‌ها لذت ببریم، یعنی این سختی‌ها توأم با لذت‌های معنوی و روحی عمیق است. ولی بدون دین، لذت‌های انسان هم توأم با سختی و سرشار از نکبت و بدبختی خواهد بود. دین آمده است که انسان به آسایش برسد، البته نه آن نوع آسایشی که بعضی‌ها تصور می‌کنند. آسایشی که بی‌دینی به انسان می‌دهد، همراه با بدبختی و رنج مضاعف خواهد بود. اگر هم دیدید کسی بی‌دینی کرد و زیاد هم سختی نکشید، اولاً شاید سختی‌هایی کشیده که به چشم شما نیامده است، ثانیاً بعد از اینکه در قبر قرار گرفت، زندگی طولانی‌تری در پیش دارد که در آنجا سختی خواهد کشید.
- هر کسی در این دنیا در اثر راحت‌طلبی‌های خود، دیگران را ناراحت کند، پاسخ او فشار قبر خواهد بود، حتی اگر در راه خدا شهید شود. سعد بن معاذ یکی از یاران پیامبر(ص) بود که وقتی شهید شد، پیامبر(ص) بالای سر او حاضر شد و فرمود: خدایا من از سعد راضی هستم. و خود پیامبر(ص) سعد را به خاک سپرد ولی بعد از خاکسپاری او فرمود: او دچار فشار قبر است چون با خانواده خودش بداخلاق بوده است. (أَتَى رَسُولُ اللَّهِ ص فَقِيلَ لَهُ إِنَّ سَعْدَ بْنَ مَعَاذٍ قَدْ مَاتَ... فَلَمَّا أَنْ سَوَى التُّرْبَةَ عَلَيْهِ قَالَتْ أُمُّ سَعْدٍ يَا سَعْدُ هَنِيئًا لَكَ الْجَنَّةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمَّ سَعْدٍ مَهْ لَا تَجْزِمِي عَلَى رَبِّكَ فَإِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ... إِنَّهُ كَانَ فِي خَلْقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءًا) (امالی صدوق/صص ۳۸۴ و ۳۸۵)

یکی از راه‌های شیرین شدن سختی‌ها، دیدن سختی‌های اهل بیت(ع) است

- باید راحت‌طلبی را به عنوان یکی از محورهای اصلی هوای نفس، کنار بگذارید. باید تصمیم بگیرید که در راه خدا سختی بکشید، نترسید، خدا زیاد سختی نمی‌دهد بلکه سختی‌های شما را شیرین هم می‌کند؛ مثل چای قندپهلوی، یک شیرینی هم در کنار تلخی‌هایتان قرار می‌دهد.
- یکی از راه‌های شیرین شدن سختی‌ها، دیدن سختی‌های اهل بیت(ع) است. اهل بیت(ع) برای اینکه بتوانند این سخنان را به ما بگویند و از لزوم تحمل رنج و سختی برایمان صحبت کنند، خودشان بیشتر از همه سختی کشیده‌اند. هر رنجی که ما کشیدیم، خداوند به ما می‌گوید: این سختی‌های تو که به پای زجرهای زینب کبری(س) نمی‌رسد...

